

تفسير احمد

سورة الكوثر

Ketabton.com

108

شماره

ترجمه و تفسير سورة «الكوثر»

تتبع و نگارش: امين الدين سعيدي - سعيد افغانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره الكوثر

جزء - (30)

سورة «الكوثر» در «مكة مكرمه» نازل شده و دارای 3 آیه است.

وجه تسمیه:

ابن مردویه از عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و عائشه ی صدیقه (رض) نقل کرده است که این سوره مکی است. کلبی و مقاتل هم آن را مکی قرار می دهند و قول جمهور مفسران هم همین است. اما حسن بصری، عکرمه، مجاهد و قتاده آن را مدنی قرار می دهند.

امام سیوطی در اتقان همین قول را صحیح قرار داده و امام نووی در شرح مسلم همین را ترجیح داده است. دلیل اینان روایتی است که امام احمد، مسلم، ابوداود، نسائی، ابن ابی شیبیه، ابن النذر، ابن مردویه، بیهقی و محدثان دیگر از انس بن مالک (رض) روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم میان ما تشریف داشتند که حالتی همانند خواب سبک بر ایشان چیره شد. پس از آن درحالی که تبسم می فرمودند سررا بلند کردند. در برخی روایت ها آمده است که حاضران از ایشان پرسیدند که شما بر چه چیزی تبسم می فرمایید؟ و در برخی روایت ها آمده است بدون آن که مردم چیزی از ایشان بپرسند خود آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند که الآن سوره ای بر من نازل شد. طوریکه در حدیث آمده است: «أغفي رسول الله صلي الله عليه وسلم إغفاءة، فرغ رأسه متبسما فإما قال لهم، وإما قالوا له: يا رسول الله لم ضحكت؟ فقال: إنه أنزلت علي أنفا سورة فقرأ «بسم الله الرحمن الرحيم، إنا أعطيناك الكوثر) حتي ختمها، فلما قرأها قال: هل تدرون ما الكوثر؟ قالوا: الله ورسوله أعلم! قال: فإنه نهر وعدنيه ربي عز وجل في الجنة، وعليه خير كثير، عليه حوض ترد عليه أمتي يوم القيامة، أنيته عدد الكواكب» ألباني در (صحيح أبي داود) (4747). یعنی: «رسول الله صلي الله عليه وسلم به خواب سبکی فرو رفته بودند سپس تبسمکنان سرشان را از خواب بالا نمودند و خطاب به اصحاب گفتند: آیا می دانید که دلیل تبسم چه بود؟ یا اصحاب از ایشان دلیل تبسمشان را پرسیدند. فرمودند: همینک بر من سوره ای نازل شد. سپس به تلاوت آن پرداختند تا سوره را ختم نمودند. سپس از اصحاب خود پرسیدند: آیا می دانید که کوثر چیست؟ اصحاب گفتند: خدا عزوجل و رسولش داناترند. فرمودند: کوثر نهری است که خدای عزوجل در بهشت به من عطا کرده است و بر آن خیری است بسیار، امتم در روز قیامت بر آن وارد می شوند و ظروف آن به شماره ستارگان است پس بنده ای از آن ربوده می شود و من می گویم: پروردگارا! آخر او از امت من است. اما به من می گویند: تو نمی دانی که آنان بعد از تو چه پدید آوردند؟».

علل نام گزاری سوره کوثر:

قبل از همه باید گفت که: این سوره دارای دو نام است (الکوثر والنحر) ولی این سوره در مصاحف بنام «کوثر» مسمی می باشد. در مورد اینکه چرا این سوره به نام «الکوثر» مسمی گردیده است رای اکثر مفسرین بر این است که آغاز و افتتاح آن به: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثِرَ» گردیده است. اگرچه برخی از مفسران از جمله: ابن کثیر این سوره را مدنی می دانند. «کوثر»، بر وزن فوعَل که صیغهی مبالغه از مادهی کثرت است و اینجا به

معنی فراوانی است؛ یعنی کثرت در هر چیزی را شامل می‌شود و به قرینه‌ی آیات بعدی، اشاره به کثرت در خیر می‌باشد. کثرت در هر چیزی که انسان طالبش است و به آن نیازمند و محتاج می‌باشد. الله طبیعت انسان را طوری خلق نموده است که زیاده‌طلبی یکی از خصوصیات شخصیتی اوست. البته باید تعدیل شود و به تعادل برسد. مال زیاد و بالاترین مقام را می‌خواهد، طولانی‌ترین عمر را می‌خواهد و نهایتاً اینکه انسان می‌خواهد نمیرد، این معنای سوره است. این سوره هم که یک سوره‌ی مکی است، بنابراین محور سوره هم مشخص است که اصلاح بینش است، زمانی که کسی می‌خواهد الله را بندگی کند و دیگران را به بندگی الله دعوت کند، می‌بایست احساس ضعف و کمبود نکند و گرنه در دعوتش موفق نخواهد شد و این نکته بسیار مهم می‌باشد. باید اهل کوثر بود و به کم قانع نشد.

پیوند و ارتباط سوره الكوثر با سوره الماعون:

خداوند متعال در سوره‌ی الماعون، چهار صفت از پستیهای منافقان و دروغ پردازان را بیان فرمود: بخل (ماعون آیات 2 و 3).

- 1 - سهل انگاری در نماز و بی مقدار شمردن آن (ماعون آیه 5).
- 2 - ریا و خودنمایی در ادای نماز (ماعون آیه 6)
- 3 - خودداری از دادن وسایل عادی کمکی به همسایگان (ماعون آیه 7). در سوره الكوثر نیز در مقابل آن چهار صفت بد، مذموم، مکروه، ناپسندیده، و نامقبول، به چهار صفت پسندیده که به پیامبر خاتم عطا کرده است. اشاره می‌کند:

الف: خیر فراوان و همیشگی در برابر بخل بخیلان: «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوثَرَ»
ب: پایداری در ادای نماز: «فَصَلِّ»، ج: اخلاص و پاکی در نماز به خاطر خشنودی پروردگارش: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» د: قربانی کردن و دستگیری نیازمندان، در مقابل «منع ماعون»؛ یعنی، خود داری از امانت دادن به دست همسایگان.

تعداد آیات کلمات و حروف سوره الكوثر:

سوره کوثر دارای (1) رکوع، و (3) سه آیات، و (11) یازده کلمه، و (37) سی و هفت حرف، و (18) نقطه می‌باشد که از کوچکترین سوره های قرآن کریم بشمار می‌رود. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث می‌توانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرمایید.) این سوره به قول مشهور و قول جمهور مفسران، طوریکه در فوق هم یادآور شدیم از جمله سوره های مکی است. ولی حسن، عکرمه و قتاده فرموده اند که: سوره کوثر مدنی است، که البته رأی ابن‌کثیر نیز همین است.

اسباب نزول:

امام سیوطی در کتاب «اسباب النزول» در مورد شأن نزول سوره کوثر می‌نویسد: «ابن ابوحاتم از سدی روایت کرده است: قریش کسی را که پسرانش فوت می‌شد آنرا ابتر و بی‌پسر می‌گفت. هنگامی که پسر رسول الله صلی الله علیه وسلم از دنیا رفت. عاص بن وائل گفت: محمد ابتر و بی‌فرزند شد. پس این کلام خدا نازل شد.» «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» «ما به تو کوثر را عطا کردیم! پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن! (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده‌نسل و بی‌عقب است.»

عبدالرزاق المهدي محقق کتاب مذکور در تعلیقی بر این روایت می گوید: «واحدی با شماره (873) این روایت از یزید بن رومان روایت کرده، و روایت مرسل است اما با حدیث زیر قوی می شود: بیهقی در «دلایل النبوة» از محمد بن علی (بن حسین بن علی بن ابوطالب) رضی الله عنه مانند این روایت کرده: نام پسر رسول خدا را قاسم گفته است.

و از مجاهد روایت می کند: این کلام الله در مورد عاصی بن وائل نازل شده است که می گفت: من دشمن محمد هستم. طبری 38217 از مجاهد و طبری 38218 و 38219 از قتاده و طبری 38215 و 38216 از سعید بن جبیر به صورت مرسل روایت کرده است. این ها به مجموع قوی هستند.»

در تفسیر انوار القرآن آمده است: مشرکان، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و پیروانشان را ضعیف و حقیر می شمردند و به مرگ اولاد ذکورشان قاسم در مکه و ابراهیم در مدینه خوشحال بوده و از درگیر شدن مؤمنان با حوادث سخت یا محنت بار شادمانی می کردند پس این سوره نازل شد تا اعلام کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم نیرومند و پیروز و پیروانشان غالب اند و مرگ فرزندان به هیچ وجه از شأن ایشان کم نمی کند و این دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم اند که در نهایت بلا عقب می باشند زیرا از آنان هیچ نام و آوازه نیکی باقی نمی ماند.»

مفسر ابو حیان فرموده است: که در مورد کوثر بیست و شش قول آمده است. اما صحیح همان است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرده است: «رودی است در بهشت کناره هایش از طلا و مجرایش بر مروارید و یاقوت است و از مشک خوشبوتر و آبش از عسل شیرین تر است.» از ابن عباس نقل است که کوثر یعنی خیر فراوان. (البحر ۵۱۹/۸). ابن عباس (رض) فرموده است: کوثر به معنی خیر کثیر است که تمام اقوال مفسران را در بر می گیرد؛ زیرا فضایی فراوان و همه گیر به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است. از جمله نبوت، کتاب، حکمت، علم، شفاعت، خوض، مقام محمود، فراوانی پیروان، پیروزی بردشمنان، و کثرت فتوحات و سایر خیرات به او عطا شده است.

پیش درآمد سوره کوثر:

سوره ی کوثر که از جمله سوره مکی میباشد درباره ی عطایای ارزنده و بی پایان و لطف و کرم الله متعال نسبت به پیامبرش بحث می کند، و این که خیر فراوان و نعمت های بی پایان دنیا و آخرت را به او عطا کرده که از جمله ی آنها نهر کوثر و سایر برکت های گرانقدر و فراگیر است. و پیامبر را فرا خوانده است که به منظور سپاسگزاری در مقابل نعمات الله سبحان و تعالی به اقامه ی نماز بپردازد و قربانی کند. در ختم این سوره مبارکه، به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم مژده داده شده است که دشمنانش خوار و زبون می شوند. خداوند متعال در این سوره تصریح می کند که دشمنان پیامبرش بی تبار و ابتر هستند.

قابل یادآوری است که: در این سوره دو خبر غیبی نهفته است: یکی عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مگه ای که حضرت دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت های بسیار بود.

ترجمه و تفسیر سُورَةِ الْكَوْثَرِ

جزء - (30)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای بخشاینده و مهربان

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

ترجمه ی آیات:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (1) (ای پیامبر) به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم.

«فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (2) (پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن)

«إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (3) (بدون شک دشمن تو، بریده نسل و بی عقب است).

تشریح لغات و اصطلاحات:

«إِنَّا» به درستی ما «أَعْطَيْنَاكَ» عطا کردیم ما تو را، «الْكَوْثَرَ» (کثر): خیر و خوبی فراوان، کوثر مبالغه‌ی فراوانی است. قدم فلان بکوثر کثیر: فلانی با خیر و برکت فراوانی بازگشت. «صَلِّ لِرَبِّكَ»: تنها برای پروردگارت نماز بخوان. مراد نماز خالی از ریا است. «انْحَرْ»: تنها برای پروردگارت، و تنها به نام او، نه کس و چیز دیگری، قربانی کن، «دستها را هنگام تکبیر گفتن، تا مقابل سینه‌ات (صورت) بلند کن.» [غریب القرآن] «وانحر» اشاره به مهربانی و شفقت نسبت به بندگان خداست. [تفسیر کبیر].

«شانی» (شَنَأَ): دشمن بدخواه، بداندیش. [← مائده/۲ و ۸، شنان: دشمنی]. «الْأَبْتَرُ»: از خیر و برکت، بی اصل و تبار و بی‌نام و نشان، بی فرزند، بی سرانجام، عقیم، ناپایدار.

کوثر در لغت عرب:

طوری‌که یادآور شدیم؛ «کوثر» از عطای بزرگی و خیر کثیر است، یعنی خیری است که در منتهای بسیاری و فراوانی قرار داشته باشد بنابراین، این کلمه شامل هر خیری می‌شود که به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عنایت گردیده است، اعم از حوض کوثر و دیگر خیرها و برکت‌ها.

و صف آب نهر کوثر مطابق نصوص و حدیث صحیح؛ عبارت است از «نهری در بهشت که کناره‌هایش از طلا و مجرای آن برمروارید و یاقوت است و از مشک خوشبوتر است. آبش از عسل شیرین‌تر و از برف سفیدتر است. هر کس از آن بنوشد بعد از آن هرگز تشنه نمی‌شود.» (روایت از ترمذی).

تفسیر:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (1):

ما به تو خیر فراوان دادیم! روی سخن و مخاطب در تمام این سوره به پیامبر صلی الله علیه وسلم است، مانند سوره‌الضحی و سوره‌الم نشرح و یکی از اهداف مهم هر سه سوره، تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناک و زخم زبانهای مکرر دشمنان است. الله سبحان و تعالی به وعده‌های خود عمل می‌کند. در سوره ضحی، خداوند وعده‌ی عطا به پیامبر داده بود: «وَ أَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی، ۵). پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می‌فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ».

قابل یادآوری است که: در نعمت‌ها، سرور و شادی‌ها نباید پروردگار خویش را فراموش کنیم.

در این سوره دو خبر غیبی نهفته است:

یکی اینکه: عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه معظمه که پیامبر صلی الله علیه وسلم دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت‌های بسیار بود.

بنابراین پروردگار با عظمت ما با زیبایی خاصی می‌فرماید «اناعطیناک الکوثر». (ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم).

«أَعْطَيْنَا» به معنای دادیم و بخشیدیم است که این ظرافتی که در «أَعْطَيْنَا» وجود دارد اعطاء است و در اعطاء نوعی حرمت برای آن کسی که چیزی را می‌گیرد وجود دارد و در حقیقت وقتی می‌خواهند حرمت بگذارند می‌گویند ما عطا کردیم و نکته دیگر، با اینکه ما می‌دانیم فاعل أَعْطَيْنَا الله است ولی در عین حال این با صیغه جمع به کار رفته به جای اینکه بگویند من به تو این را دادم می‌گویند ما داده‌ام که با نوعی حشمت و جبروت و موضع‌بالا و قدرت همراه است.

«أَعْطَيْنَا» طوریکه در فوق یاد آور شدیم عطا به معنای مطلق بخشش است. بخششی که اگر از طرف الله باشد طبیعتاً بخششی بی منت است. و اگر این بخشش از جانب غیر الله باشد، می‌تواند بی منت باشد و یا هم با منت باشد.

همچنان اگر این بخشش از طرف خداوند باشد در انسان تحول مثبت ایجاد می‌کند و اگر دهنده غیر خدا باشد، ما هر لحظه باید منتظر تحقیر باشیم، یا منتظر باشیم که پشیمان شود و آن را از ما پس بگیرد. تنها دهنده‌ای که به خیال آرام و مطمئن به انسان چیزی ارزانی می‌فرماید فقط پروردگار با عظمت است که: هر چه را که به ما داده است از ما نمی‌گیرد. ولی متأسف هستیم که کمترین شکران نعمت را هم انسان از خداوند بعمل می‌آورد. بیشترین تشکر را در رابطه با کسانی دارد که کمترین‌ها را می‌دهند و منتظر بیشترین تشکرها هستند.

در تفسیر جلوه‌های از اسرار قرآن کریم در سوره الکوثر مینویسد:

«صیغه اعطینک» بتو عطا کردیم این مطلب را میرساند که مراد از کوثر نعمت‌هایی است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عملاً داده شده است، نعمت‌هایی که پیامبر صلی الله علیه وسلم با تمام وجود خود آنها احساس می‌کند، و چنان برایش قابل درک است تذکر و توضیح نیز ضرورتی احساس نمی‌شود، اطلاق الکوثر بر نعمت‌هایی که در اختیار پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می‌گیرند و یا در بهشت به او عنایت می‌شود با روحیه سوره و الفاظ آن نمی‌سازد.»

«فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (2):

یعنی سریع به خاطر آن بخشش کثیر الخیری که به تو عنایت شده تقاضای انجام دو عمل به میان آمده است، اولین عمل این است که برای پروردگار خویش خالصانه نماز و سجده را بر پا دار، و به اصطلاح مفسرین (ارتباط مستقیم با خالقت برقرار کن). قابل تذکر است که: تشکر باید فوری باشد. «فَصَلِّ» (حرف فاء برای تسریع است).

دومین خواست اینست که به خاطر نعمت عظمی، که برایت داده شده است شتر را نحر یعنی قربانی کن که بهترین اموال عرب است.

«فَصَلِّ» آنچه می‌تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» ملاحظه می‌داریم که: دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان فرمان می‌دهد.

پروردگار با عظمت می‌فرماید: به شکرانه این نعمت‌ها خالصانه برای ما بر نمازهای فرض خویش مداومت کن «و قربانی کن» برای رضای ما و به نام ما، نه مانند بت پرستان که برای غیر ما قربانی می‌کنند.

در التسهیل آمده است: مشرکان سوت زنان و کف زنان نماز می‌خواندند و شتر را برای بت‌ها نحر می‌کردند، لذا خداوند متعال به پیامبرش فرمان داد که نماز و قربانی‌اش باید خالصانه برای وی باشد. و فقط در راه او شتر را نحر کن و بس. پس امر به توحید و اخلاص می‌شود.

قتاده، عطاء و عکره می‌گویند: مراد از (وَأَنْحِرْ) ادای نماز عید اضحی و ذبح قربانی در آن است. اما ابن‌کثیر می‌گوید: «صحيح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قربانی در حج و مناسک می‌باشد». ابن‌کثیر در این باره حدیثی را نیز نقل کرده است.

وظیفه‌ای که خداوند متعال برای انسان‌ها در مقابل نعمت‌ها اعطا شده بیان کرده است، شکر نعمت است ولی نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که بین نعمت و تشکر تناسب لازم است، این بدین معنی است هر چه که حجم نعمت بزرگتر و عظیم‌تر باشد، ضرورت به تشکر بیشتری را می‌نماید.

پروردگار با عظمت ما در این سوره به دادن نعمت کوثر به پیامبر صلی الله علیه اشاره نموده است، «کوثر» وصف است که از «کثرت» گرفته شده، و به معنی خیر و برکت زیاد و فراوان است، بنأ این نعمت عظیم و خیر فراوان، شکرانه عظیم لازم دارد لذا خداوند در مقابل این نعمت دو وظیفه را بر دوش پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می‌دهد، و می‌فرماید: «فصل لربک و انحر»؛ اکنون که چنین است فقط برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

ملاحظه می‌فرماید: اولین وظیفه‌ای که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد نماز است، نماز جامع‌ترین و کاملترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود.

دومین وظیفه‌ای که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد: نحر کردن است یعنی قربانی است، کلمه «وانحر» از ماده «نحر» است که مخصوص کشتن شتر است و شاید علت آوردن تعبیر «و انحر» به خاطر این است که در میان قربانیها شتر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مسلمانان علاقه بسیار به آن داشتند و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود و چون خداوند خواسته بین نعمت (کوثر) و شکر آن تناسب داشته باشد دستور به «نماز» و «کشتن شتر» داده است.

نماز یک نوع عبادت است که برای غیر الله معنا ندارد مخصوصاً با توجه به مفهوم «رب» که حکایت از تداوم نعمت‌ها و تدبیر و ربوبیت پروردگار دارد، زیرا «رب» از کلمه «ربب» به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند. این دستور خداوند «فصل لربک» در برابر اعمال مشرکان است که برای بت‌ها سجده و قربانی می‌کردند، در حالی نعمتهای خود را از خدا می‌دانستند. به هر حال تعبیر «لربک» دلیل روشنی است بر لزوم قصد قربت در عبادات.

ارتباط «فصل» با «وانحر» چیست؟

برای اینکه ارتباط بین این دو جمله مشخص شود باید ابتدا به تفسیرهایی که از «و انحر» بعمل آمده است، بپردازیم و در ذیل آن به ارتباط این دو جمله اشاره کنیم:

الف: «وَانْحَرُ»: از مادهی نَحْر است، به معنی گلوگاه و اینجا گلوئی شتر را می‌گویند. اگر دقت کرده باشید و یا شنیده باشید برای سر بریدن شتر، نمی‌توان شتر را مانند سایر حیوانات سر برید. برای همین ابتدا شتر را نَحْر می‌کنند، یعنی نیزه‌هایی را به گردنش می‌زنند و بعد از اینکه بدنش سست شد، به زمین می‌افتد و سپس سرش را می‌برند. به این عمل نَحْر گفته می‌شود که به معنی قربانی نیز آمده است.

و شاید علت امر به «نحر» بعد از دستور به نماز، اشاره به ارتباط بنده با بندگان بعد از ارتباط بنده با الله باشد؛ یعنی اگر انسان با خدا ارتباط داشته باشد نمی‌تواند ارتباط خودش را با جامعه قطع کند و به فکر فقرا و مستمندان نباشد، بلکه باید هر دو ارتباط را تقویت کند.

ب: منظور از جمله «وانحر» رو به قبله ایستادن به هنگام نماز است، چرا که ماده «نحر» به معنای گلوگاه می‌باشد، سپس عرب آن را به معنای «مقابله با هر چیز» استعمال کرده است.

در اینجا نیز که خداوند دستور به ایستادن رو به قبله دارد، در واقع به یکی از شرایط نماز اشاره نموده است.

آیه دلیل بر وجوب تقدیم نماز عید بر ذبح قربانی است و این نظر جمهور است و جایز است که منظور ادای نماز صبح در مزدلفه و هدی و قربانی در منی باشد. بیان این موضوع برای آموزش امتش می‌باشد و اینکه منظور از نماز در اینجا نماز عید و منظور از «نحر» قربانی کردن باشد، هیچ مانعی نیست که آن نماز و قربانی مشمول سایر نمازها و مناسک باشد.

ج: منظور بلند کردن دستها به هنگام تکبیر و آوردن آن در مقابل گلوگاه و روی صورت است.

دروس آموزنده از آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ»:

- دروس آموزنده که از آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ» میتوان استنباط کرد اینست که:
- نعمت‌ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت آور است. (اعطیناک... فصل)
 - تشکر باید فوری باشد. (فصل) «حرف فاء برای تسریع است»
 - دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان هدایت می‌فرماید. (فصل لربک و انحر)
 - چون عطا از او است (انا اعطینا) تشکر هم باید برای او باشد. (فصل لربک)
 - رابطه با الله بر رابطه با خلق مقدم است. (فصل... و انحر)
 - انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. (فصل لربک و انحر)
 - نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد. (لربک)
- « إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ » (3) :**

در حقیقت بدخواهت از هر خیر و برکتی بریده است. مفسران گفته‌اند: وقتی «قاسم»، پسر پیامبر صلی الله علیه و سلم درگذشت، عاص بن وائل گفت: او را بگذارید، مردی بلا عقب می‌باشد. ابتر یعنی نسلی ندارد. پس وقتی بمیرد نامش به فراموش می‌رود. آنگاه الله متعال

این سوره را نازل کرد. و خدا خبر داد که این کافر خود ابتر است. هر چند که دارای اولاد هم باشد؛ زیرا از رحمت خدا محروم است و جز به لعن و نفرین نامش برده نمی‌شود.

اما پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نامش تا آخر زمان جاودانه بر بلندای مآذن و منبرها بر زبان خواهد بود. نامش در کنار نام الله قرار دارد و مؤمنان تا روز قیامت از او پیروی می‌کنند، پس برای آنان صورت پدر را دارد. درود و سلام خدا بر او باد!

مفسر تفسیر جلوه های از اسرار قرآن در این مورد می نویسد: از این آیه متبرکه طوری معلوم می شود که این سوره در زمان نازل گردیده است که دشمنان پیامبر صلی الله علیه و سلم و یاران او را در مکه به محاصره کشانیده، مقاطعه عمومی علیه آنان اعمال گردیده، رابطه اش را با همه اقوام و قبایل مکه قطع نموده و احساس کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم را از مردم تجرید نموده و راه های نفوذ بین مردم بسته اند، (جلو هها های از اسرار قرآن در تفسیر سوره الكوثر)

همچنان در آیه دو موضوع قابل ذکر است که:

- 1- وجود دو تأکید (إِنَّ و هُوَ) نشانه آن است که دشمن و بدخواه تو بدون نسل خواهد ماند
- 2- شائیه اسم فاعل است یعنی شامل دشمن گذشته، حال و آینده می شود پس اشاره قرآن فهمیده می شود که دشمن پیامبر در همه زمان ها بدون نسل خواهد بود.

تفسیر سوره کوثر برویت حدیثی انس بن مالک:

أنس بن مالک بن النضر بن ضمضم ملقب به «ابو حمزه»، متولد مدینه منوره از جمله صحابه جلیل القدر می باشد که در سنین کودکی به پیامبر اسلام ایمان آورده اندواز جمله خادم رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده و در تعداد زیاد غزوات با رسول صلی الله علیه و سلم اشتراک ورزیده و از جمله محدثین معتبر جهان اسلام اند در مورد تفسیر سوره کوثره می نویسند: «أغفی رسول الله صلی الله علیه و سلم إغفاءة، فرغ رأسه متبسما، فإما قال لهم، وإما قالوا له: یا رسول الله لم ضحکت؟ فقال: إنه أنزلت علی أنفا سورة فقراً (بسم الله الرحمن الرحیم، إنا أعطیناک الکوثر) حتی ختمها، فلما قرأها قال: هل تدرون ما الکوثر؟ قالوا: الله ورسوله أعلم! قال: فإنه نهر وعدنیه ربي عز وجل في الجنة، وعلیه خیر كثير، علیه حوض ترد علیه أمتي يوم القيامة، آئنته عدد الكواكب» ألبانی در «صحيح أبي داود» (4747). یعنی: «رسول الله صلی الله علیه و سلم به خواب سبکی فرو رفته بودند سپس تبسمکنان سرشان را از خواب برداشتند و خطاب به اصحاب گفتند: آیا می دانید که دلیل تبسم چه بود؟ یا اصحاب از ایشان دلیل تبسمشان را پرسیدند. فرمودند: همینک بر من سوره ای نازل شد.

خداوند به پیامبرش محمد صلی الله علیه و سلم می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» ما به تو خیر فراوان و فضل زیاد داده ایم از جمله آن نهر و حوضی است که خداوند به پیامبرش داده و کوثر نامیده می شود که طول آن به مسافت یک ماه و عرض آن نیز به مسافت یک ماه است و آب آن از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است و ظرف و کیلاس های آن به اندازه ستارگان آسمان زیاد و همان طور درخشان می باشند. هرکس یک بار از حوض کوثر بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد.

وقتی خداوند منت خویش را بر پیامبر بیان کرد، او را به سپاسگزاری نعمت فرمان داد و فرمود: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» «پس برای پروردگارت نماز بگزار» یعنی: ای پیامبر صلی الله علیه و سلم! چنانکه به تو در دنیا و آخرت خیر بسیار داده‌ایم پس به شکرانه این نعمت‌ها

خالصانه براي ما بر نمازهاي فرض خویش مداومت کن «و قرباني کن» براي رضاي ما و بهنام ما، نه مانند بتپرستان که براي غير ما قرباني ميکنند. و کسانی از مشرکان بودند که براي غير خداوند قرباني ميکردند لذا خداوند عزوجل به پیامبرش فرمان داد که نماز و قرباني اش بايد خالصانه براي وي باشد. قتاده، عطاء و عكرمه مي گویند: مراد از «وَأَنْحَرُ» ادای نماز عيد اضحي و ذبح قرباني در آن است. اما ابن کثیر ميگوید: «صحيح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قرباني در حج و مناسک مي باشد». ابن کثیر در این باره حدیثي را نیز نقل کرده است.

«إِنَّ شَانِيئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»: «بيگمان دشمنت خود ابتر است» يعني: بدون شک، این دشمن توست که از هر دو خیر دنیا و آخرت بریده، بلاعقب و بي سرانجام است. یا این دشمن توست که از وي بعد از مرگش نام و آوازه نيکي باقي نمي ماند. چنان که گفتيم؛ در جاهليت به کسی از مردان که فرزند مذکري نداشت، ابتر ميگفتند. حسن بصري رحمه الله ميگوید: «مراد مشرکان از ابتر بودن پیامبر صلي الله عليه وسلم این بود که ایشان قبل از آن که به هدف نهايي خود برسند، در نيمه راه دعوت ناکام مي مانند اما خداوند عزوجل در اینجا روشن ساخت که این دشمنان پیامبر صلي الله عليه وسلم اند که ناکام و بي نام و نشان مي مانند». (مواخذ: تفسير انوار القرآن، تفسير علامه عبدالرحمن سعدي، اسباب النزول سيوطي).

البته مفسران در معنای کوثر اقوال متفاوتي دارند؛ بعضي با استناد به احاديث صحيحه گفته اند: «نهری در بهشت است» بعضي گفته اند: حوضي در بهشت است، بعضي گفتند: يعني خیر فراواني که نصیب پیامبر صلي الله عليه وسلم شده، بعضي گفتند: قرآن و نبوت است، بعضي گفتند: کثرت اصحابي است که خدای متعال آنان را همراه وي کرده است. اما قول بيشتري مفسرين اينست که کوثر يعني خیر کثيري که نصیب پیامبر صلي الله عليه وسلم شده که از جمله نهر کوثر در بهشت است که به پیامبر صلي الله عليه وسلم اعطاء شده است، و دلایل زيادي در تاييد این مطلب وارد شده است، مثلاً از عايشه رضي الله عنها در مورد این سخن خداوند متعال که مي فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» پرسيدند. گفت: «نَهْرٌ أُعْطِيَ نَبِيَكُمْ صلي الله عليه وسلم شَاطِئَاهُ عَلَيْهِ دُرٌّ مُجَوَّفٌ أَيْئُهُ كَعَدَدِ النُّجُومِ». (بخاري: 4965)

يعني: نهری است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن، مرواريدهاي ميان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زياد) است. ابن جرير طبري - امام المفسرين - ضمن آنکه تمام اقوال مختلف را در معنای کوثر آورده، در آخر مي گوید: با توجه به کثرت روايات از نظر ما کوثر نهری در بهشت است که به پیامبر صلي الله عليه وسلم عطا شده است.

ابتر کیست؟

علمای لغت کلمه ابتر را برگرفته از «بَتْرُ» به معنای قطع و بریدن می دانند. جوهری «بَتْرُ الشَّيْءِ» را به معنای قطع چیزی پیش از پایان یافتن آن و «انبتار» را انقطاع و «سیف باتر» را شمشیر برنده، و «ابتر» را دم بریده و چیز بدون دنباله دانسته است. به گفته راغب، ابتر به حیوان دم بریده، سپس به مناسبت، به کسی که نسلی نداشته باشد تا جانشینش شود، میگویند؛ هم چنین بر اساس روایتی از پیامبر اکرم صلي الله عليه وسلم به

کلامی که با یاد خدا آغاز نشود، ابتر گویند. ابن منظور هم گفتاری نزدیک به این دو نظر دارد. به روایت ابن عباس و سدی، قریش، به مردی که پسرانش می‌مردند نیز ابتر میگفت. کلمه ابتر صرف یک بار آنهم در آیه سوم همین سوره کوثر به کار رفته و در آن دشمن پیامبر صلی الله علیه وسلم معرفی شده است: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ = همانا دشمن تو ابتر است».

«شانی» زبان شناسان، این کلمه را به مَبْغُض؛ یعنی کینه‌ورز و متنفر معنا کرده‌اند، (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق، مصحح، میر دامادی، جمال الدین، جلد 1، صفحه 102، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم، 1414ق) ولی مفسر شهیر جهان اسلام ابن عباس می‌فرماید که: مراد از این کلمه دشمن می‌باشد. ولی بر اساس برخی از نقل قول‌ها اشخاصی خود را «شانی» پیامبر معرفی می‌کنند و قرآن در جوابشان نیز از همین کلمه را استفاده کرده است: «عاص بن وائل می‌گفت: من شانی محمد هستم (طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، جلد 30، صفحه 212، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول، 1412ق).

پیام‌های سوره کوثر:

- 1 - بیشترین خیر در کوچکترین سوره قرار داده شده است. (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)
- 2 - در کوچکترین مطلب می‌توان بیشترین خطاب را قرار داد. (خداوند پنج بار رسولش را مورد خطاب قرار داده است از این پنج مورد، دو مورد امری و دستوری است و سه مورد عادی است).
- 3 - در جایگاه مسئولیت همیشه نباید از خطاب‌های دستوری استفاده کرد. (سه مورد از خطاب خداوند عادی است).
- 4 - لازمه‌ی تشکر نعمت‌های الهی انجام فرائض دینی است. (فَصَلِّ).
- 5 - اگر خیر کثیر یا نعمت فراوان به انسان روی آورد یک مقدار آنرا انفاق کند تا دیگران و نیازمندان از آن استفاده کنند. «وَأَنْحَرْ»
- 6 - نعمت فراوان باید خود را در جامعه نشان دهد تا دیگران از آن استفاده کنند. «وَأَنْحَرْ»
- 7 - در مقابل راه پیامبر صلی الله علیه وسلم سد شدن نتیجه جزء ابتر نخواهد داشت.
- 8 - در مقابل دشمن در صورتی که قصدتخریب داشته باشد نرمش معنا ندارد «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

ثواب قرائت سوره کوثر:

در ثواب قرائت سوره کوثر حدیثی داریم از پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: «کسی که سوره کوثر را قرائت کند، خداوند متعال، او را از حوض کوثر و هر نهر بهشتی سیراب می‌گرداند و ده برابر کسانی که در روز عید قربان برای خداوند قربانی میکنند، به ثواب و پاداش عنایت می‌کند.»

حوض کوثر:

کلمه «کوثر» از «کثرت» است به معنای خیرکثیر. کوثر، حوضی است در بهشت یا صحرای محشر که خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم عطا کرده است و مؤمنان هنگام ورود به بهشت از آب آن سیراب می‌شوند.

مفسرین در معنای کوثر اقوال و روایات مختلف و متفاوتی را روایت فرموده‌اند، برخی از مفسرین با استناد به احادیث صحیح گفته‌اند که «کوثر»: «نهری در بهشت است» برخی

دیگر از مفسرین می فرمایند «کوثر» حوضی است در بهشت، برخی دیگری می فرمایند همینکه خیر فراوانی که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده، همین حوض کوثر است، برخی از مفسرین بدین عقیده اند که کوثر: قرآن عظیم الشان و نبوت است، و بعضی دیگر از مفسرین بدین عقیده اند که: کثرت اصحابی است که خدای متعال آنان را همراه وی کرده است.

ولی اکثریت مفسرین بدین عقیده هستند که کوثر یعنی خیر کثیری که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده که از جمله نهر کوثر در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم اعطاء شده است، و دلایل زیادی در تایید این مطلب وارد شده است، از جمله حدیثی داریم از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها در مورد این سخن خداوند متعال که می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» پرسیدند. گفت: «نَهْرٌ أُعْطِيَهُ نَبِيُّكُمْ صَلي الله عليه وسلم شَاطِئَاهُ عَلَيْهِ دُرٌّ مُجَوَّفٌ آيِنُهُ كَعَدَدِ النُّجُومِ». (بخاری: 4965)

یعنی: نهری است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن، مرواریدهای میان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است. ابن جریر طبری - امام المفسرین در معنای کوثر مینویسد: کوثر نهری در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است.

خداوند متعال با اعطای حوض بزرگ و بسیار وسیعی که آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و بویش از بوی مشک خوشبوتر است، از بنده و فرستاده اش، محمد صلی الله علیه وسلم اکرام و تجلیل می کند. گیلان های آن حوض مانند ستاره های آسمان فراوان هستند. آب پاکیزه ای آن از رود کوثر وارد این حوض می شود، همان رود کوثری که خداوند آن را در بهشت به محمد صلی الله علیه وسلم اختصاص داده است. امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بر این حوض وارد می شوند، هرکس یک مرتبه از آب این حوض بنوشد، دیگر تا ابد تشنه نخواهد شد.

در باره محل وقوع این حوض علما اختلاف نظر دارند، امام غزالی و قرطبی بر این عقیده هستند که این حوض پیش از عبور کردن از پل صراط در میدان محشر قرار دارد و بر این مدعا چنین استناد کرده اند که بعضی از وارد شوندگان بر این حوض به دوزخ فرستاده می شوند، و اگر این حوض بعد از (پل صراط) می بود برگرداندن بعضی از آنجا به دوزخ ممکن نمی بود. «تذکره»: 302.

علامه ابن حجر دیدگاه امام بخاری را چنین نقل کرده است، که حوض کوثر بعد از (پل صراط) است، به دلیل اینکه امام بخاری احادیث مربوط به حوض را بعد از بیان احادیث (پل صراط) و شفاعت آورده است. فتح الباری: (466/11)
البته دیدگاه امام قرطبی صحیح تر است. ابن حجر رحمه الله دلایل هر دو گروه را در کتاب ارزشمند خود «فتح الباری» آورده است.

طول و عرض حوض کوثر:

طول و عرض حوض کوثر مطابق روایات اسلامی برابر است هر گوشه از گوشه های آن مسیر یک ماه است.

علماء در وصف آب کوثر میگویند که آب آن از جنت می آید. و به اصطلاح آبراه و ناودان آن از جنت کشیده شده یکی از آنها از طلا و دیگری از نقره است و ظرفهای آن که تعداد آن به اندازه ستارگان آسمان است.

احادیثی وارده در مورد حوض کوثر:

احادیثی را که خطیب تبریزی آنها را در مشکاة خود آورده است، غرض توضیح مساله خدمت خوانندگان محترم تقدیم میدارم:

1 - بخاری و مسلم از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حوضی مسیره شهر، وزوایاه سواء. ماؤه أبيض من اللبن، وریحه أطیب من المسک، وکیزانه کنجوم السماء، من یشرب منها فلا یظماً أبداً». (وسعت حوضم به مسافت یک ماه است، آبش از شیر سفیدتر و از مشک خوشبوتر و کوزه‌هایش به اندازه ستارگان آسمان است. هرکس یک بار از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد).

2 - ابوهریره از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که فرمودند: «إن حوضی أبعد من أیلة من عدن لهو أشدُّ بیاضاً من الثلج، وأحلي من العسل باللبن، ولانیته أكثر من عدد النجوم، وإنی لأصد الناس عنه کما یصد الرجل إبل الناس عن حوضه، قالوا: یا رسول الله! أتعرفنا یومئذ؟ قال: "نعم لكم سیماء لیست لأحد من الأمم، تردون علی غراً محجلین من أثر الضوء». رواه مسلم

یعنی: مسافت حوضم بیشتر از مسافت ایله تا عدن است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر است، و ظرف‌هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. من مردم را پس می‌زنم همان طوری که انسان شتران دیگران را از حوضش دور می‌سازد، گفتند: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره‌های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پای درخشان، بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید.

3 - در روایاتی دیگر از حضرت انس رضی الله عنه چنین آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تري فيه أباريق الذهب والفضة كعدد نجوم السماء». یعنی: تعداد آفتابه‌های طلایی و نقره‌ای به اندازه‌ی ستاره‌های آسمان می‌باشند.

4 - در روایتی دیگر از حضرت ثویان چنین آمده است: درباره آب آن سؤال شد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أشدُّ بیاضاً من اللبن، وأحلي من العسل یغت فيه میزابان یمدّانه من الجنة، أحدهما من ذهب والآخر من ورق». یعنی: آبش از شیر سفیدتر است، از عسل شیرین‌تر است، دو میزاب (آب راهه) که از بهشت سرچشمه گرفته و یکی از طلا و دیگری از نقره است به آن می‌ریزند.

چه کسانی وارد حوض کوثر و چه کسانی از آن رانده میشوند؟

احادیث زیادی پیرامون کسانی که وارد حوض می‌شوند یا از حوض رانده می‌شوند، وارد شده است، که برخی از این روایت عبارتند از:

بخاری و مسلم از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لیردن علی الحوض رجال ممن صاحبني، حتی إذا رأیتهم، ورفعوا إلی، اختلجوا دوني، فلاقولن: أي رب، أصحابي، أصحابي، فلیقالن لی: إنک لا تدری ما أحدثوا بعدک». یعنی: افرادی از آنان که در دنیا با من همراه بودند، نزد من بر حوض آورده می‌شوند و وقتی که به من نشان داده می‌شوند، من آنان را می‌بینم، و بعد به سرعت از پیش من ربوده می‌شوند، من به ندا در می‌آیم و می‌گویم: پروردگار! اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟

- بخاري و مسلم از طريق ابی حازم از سهل بن سعد ساعدي رضي الله عنه روايت مي كند كه رسول الله ا الله صلي الله عليه وسلم فرمودند: «أنا فرطكم علي الحوض، من ورد شرب، ومن شرب لم يظماً أبداً، وليردن علي أقوام أعرههم ويعرفونني، ثم يحال بيني وبينهم، قال أبو حازم: فسمع النعمان بن أبي عياش وأنا أحدثهم هذا الحديث، فقال: هكذا سمعت سهلاً يقول؟ فقلت: نعم، قال: وأنا أشهد علي أبي سعيد الخدري لسمعته يزيد، فيقول: فإنهم مني، فيقال: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك، فأقول: سحقاً سحقاً لمن بدل بعدي».

يعني: من در حوض بر شما پيشي مي گيرم. هر كس بر من گذرد از آن مي نوشد و هر كس بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. گروهی كه من آنها را شناخته و آنها نيز مرا مي شناسند مي خواهند بر من وارد شوند، ولي از ورودشان جلوگیری مي شود».

ابو حازم گوید: نعمان بن ابی عياش اين حديث را از من شنيد و به من گفت: آیا واقعاً اينگونه از سهل شنیده اي؟ گفتيم: آري. گفت: گواهي مي دهم كه من اين حديث را از ابو سعيد خدري شنیده ام كه اينگونه آن را ادامه داد: «مي گويم: اينان از امتم هستند. گفته مي شود: تو نمي داني آنها بعد از تو چه كارها کرده اند؟ مي گويم: نابود باد، كسي كه بعد از من منحرف شده است».

در روايت بخاري آمده است كه پيامبر الله صلي الله عليه وسلم فرمود: «بينما أنا قائم علي الحوض، إذا زمرة، حتي إذا عرفتهم خرج رجل من بيني وبينهم، فقال: هلم، فقلت: إلي أين؟ فقال: إلي النار والله، فقلت: ما شأنهم؟ فقال: إنهم قد ارتدوا علي أدبارهم القهقري، ثم إذا زمرة أخري، حتي عرفتهم خرج رجل من بيني وبينهم فقال لهم: هلم، قلت: إلي أين؟ قال: إلي النار والله، قلت: ما شأنهم؟ قال: إنهم قد ارتدوا علي أدبارهم، فلا أراه يخلص منهم إلا مثل همل النعم». يعني: در حالي كه بر حوض كوثر ايستاده ام، ناگهان دسته اي را مي بينم، اما بعد از اينكه آنها را مي شناسم، شخصي ميان ما و آنها بيرون مي آيد و مي گويد: حركت كنيد. مي گويم: آنها را به كجا مي بريد؟ مي گويد: به خدا سوگند آنها را به ميان آتش سوق مي دهم. مي گويم: مگر آنها چكار کرده اند؟ مي گويد: آنها از دين و آيين پشت كردند و مرتد شدند، سپس ناگهان دسته اي ديگر را مي بينم، اما بعد از اينكه آنها را مي شناسم، شخصي ميان ما و آنها بيرون مي آيد و مي گويد: حركت كنيد. مي گويم: آنها را به كجا مي بريد؟ مي گويد: به خدا سوگند آنها را به ميان آتش سوق مي دهم. مي گويم: مگر آنها چكار کرده اند؟ مي گويد: آنها از دين و آيين پشت كردند و مرتد شدند، در ميان آنها كسي را نمي بينم كه باقي گذارده شود، مگر اينكه همانند حيواني رها شده باشد.

امام قرطبي بعد از ذكر احاديث فوق در كتاب «التذكرة» مي فرمايد: دانشمندان اسلامي راجع به احاديث مربوط به حوض گفته اند: تامي كساني كه از دين برگشته اند و مرتد شده اند، يا اينكه بدعتهايي در دين به وجود آورده اند كه خداوند بدان راضي نيست و بدان اجازه نداده، تامي اينها از ورودشان به حوض جلوگیری مي شود و از آن رانده مي شوند، اما كساني كه به شدت با آنها برخورد مي شود و هرگز اجازه داده نمي شود كه به حوض نزديك شوند كساني هستند كه از جماعت مسلمانان جدا گشته و راهي ديگر را برگزيده اند، امثال فرقه هاي گوناگون خوارج، روافضيهاي گمراه و معتزليهايي كه از هوي و هوس تبعيت کرده اند، تامي اينها دين خدا را تغيير داده اند.

و همچنين ستمكاراني كه در حد وفوري ستم روا داشته اند و در راستاي خاموش كردن حق و قتل پيروان حق و آزار دادنشان قدم برداشته اند، و كساني كه به آشكارا گناهان كبيره را

انجام داده‌اند و گناه را دست کم گرفته‌اند و با انحراف و بدعت و هوای نفسی روبرو شده‌اند، تمامی اینها نیز از حوض رانده می‌شوند.

لازم به ذکر است که اگر تنها در اعمال مرتکب گناه شده باشند، اما دارای عقیده‌ای صحیح باشند برای مدتی از حوض منع می‌شوند، سپس بعد از مغفرت الهی بر اثر نور وضویی که بدان شناخته می‌شوند به آنها اجازه‌ی ورود به حوض داده می‌شود، و اگر از منافقان عصر پیامبر الله صلی الله علیه وسلم باشند که ایمان را اظهار می‌داشتند و در نهان کفر را دنبال می‌کردند، در قیامت به ظاهر آنها را با خود برمی‌دارند، سپس سرپوش را برای آنها کنار می‌زنند و خطاب بدانها گفته می‌شود: دور شوید، دور شوید. لازم به یادآوری است که جز کسانی که به اندازه‌ی دانه گندمی از ایمان در دلشان نیست و هر حقی را انکار نموده و از باطل پیروی نموده، کسی در دوزخ باقی نمی‌ماند. «التذكرة»: (صفحه 306).

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست موضوعات و مطالب سُورَةُ الْكَوْثِرِ

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	سُورَةُ الْكَوْثِرِ	- الكوثر = خير كثير.	
1		محتوای سوره كوثر: در این سوره الله متعال به پیامبر صلی الله علیه وسلم بشارت نعمت های فراوان از جمله كوثر داده و دشمنان او را ابتر می خواند.	
2		- وجه تسمیه.	
3		- علل نام گزاری سوره كوثر.	
4		- پیوند و ارتباط سوره الكوثر با سوره الماعون.	
5		- تعداد آیات کلمات و حروف سوره الكوثر.	
6		- اسباب نزول	
7		- پیش درآمد سوره كوثر.	
8		- تشریح لغات و اصطلاحات.	
9		- كوثر در لغت عرب.	
10		- ترجمه و تفسیر سوره كوثر.	
11		- ارتباط «فصل» با «وانحر» چیست؟	
12		- درس آموزنده از آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ».	
13		- تفسیر سوره كوثر برویت حدیثی انس بن مالک.	
14		- ابتر کیست؟	
15		- پیام های سوره الكوثر.	
16		- ثواب قرائت سوره كوثر.	
17		- حوض كوثر.	
18		- طول و عرض حوض كوثر.	
19		- احادیثی وارده در مورد حوض كوثر.	
20		- چه کسانی وارد حوض كوثر و چه کسانی از آن رانده میشوند؟	

مکتی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم‌ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می باشد. سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3 - تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری) انتشارات : شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ : 1395 هـ .

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه، مترجم: شیخ الهند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه، ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، واز تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری/ 1116 میلادی -12 رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745ق) مشهور به ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت، توجه خاصی مبذول داشته است.

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم: تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9 - تفسیر بیضاوی:

یا «انوار التنزیل و أسرار التأویل»، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصرالدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان

عربی تحریر یافته است. ودرسال (1418 ق یا 1998م) دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان بچاپ رسیده است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین »:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م . ناشر: مؤسسه النور للمطبوعات مکان نشر: بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی واز معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری) در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر ، فقهی و مؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزی التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزی غرناطی الکلبی مشهور به جُزَیّ (متوفی 741ق) (ناشر: شركة دار الأرقم بن أبیالأرقم ، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13 - تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد. (محل طبع مکتبه الرياض الحديثه بالرياض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ) . سال نشر 1408 ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر ، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم و محقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام و مسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: « لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازان » تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد).

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 ینایر 2007 محل نشر ، اداره الطباعة المنيرية تصویر دار إحياء التراث العربي.

19- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسير الدار المنثور في التفسير با لمأثور « مؤلف : حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر سيوطى شافعى . (1445 - 1505م) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنوره

20- زجاج: « تفسير معانى القرآن فى التفسير»:

مؤلف: الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجرى - 311 هجرى 855 - 923 ميلادى)

21- تفسير ابن عطية:

نام كامل تفسير: «المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز ابن عطية» بوده مؤلف آن :أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 – 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسير قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسى بصرى (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) .وى از جمله تابعين بوده ، كه در علوم لغت ،تاريخ عرب ، نسب شناسى، حديث، شعر عرب، تفسير، دسترسى داشت .ودر ضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگى بسر برده ولى نابينا بود.امام احمد حنبل درباره او مى گويد: «او با حافظه ترين اهل بصره بود و چيزى نمى شنيد مگر اينكه آن را حفظ مى كرد، من يك بار صحيفه جابر را براى او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاريخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسير كشاف مشهور به تفسير زمخشرى.

« تفسير الكشاف عن حقايق التنزيل و عيون الاقوايل فى وجوه التأويل» مشهور به تفسير كشاف. مؤلف :جارالله زمخشرى (27 رجب 467 - 9 ذىحجه 538 هـ) اين تفسير براى بار اول در سال: 1856 ميلادى در دو جلد در كلكته بچاپ رسيد ، سپس در سال 1291 در بولا ق مصر ، ودر سالهاى 1307، 1308، و 1318 در قاهره به چاپ رسيده است. محل نشر: انتشارات دار إحياء التراث العربى.

24- تفسير مختصر:

تفسير ابن كثير: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب طبرى مشهور به جرير طبرى متولد 224 وفات 310 هجرى قمرى در بغداد (218 - 301 هجرى شمسى . تاريخ طبرى مشهور به پدر علم و تاريخ و تفسير است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الكريم، بيروت - لبنان.

25- مفسر صاوى المالكي :

«حاشية الصاوي على تفسير الجلالين فى التفسير القرآن الكريم» مؤلف : احمد بن محمد صاوى (1175-1241ق) است. سال ومحل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعيد حوى :

حَوّى، سعيد، حَوّى، سعيد، مفسر « الاساس فى التفسير(يازده جلد؛ قاهره 1405)، كه از

مهمترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.
سال نشر : 1424 ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره - مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ - 606 هـ) تفسیر کبیر مهمترین و جامعترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدی کبیر :

تفسیر سدی کبیر اثر «ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدی کبیر، متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست. وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز:

مؤلف: ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حیسنی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان : عربی

ناشر : دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان : نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان : عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 – متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع: 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتور مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتور مصطفی خرم دل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة 2 / 297، وأساس التقدیس صفحه 7).

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751 هـ - 812 ق)، اسباب نزول، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر «سورة الكوثر»

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

درس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**